شرح وشاعران
اکرم فاضلی بیابانکی / دکتر محسن احتشامی نیا / دکتر عبدالمجید طالب تاش
علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن وحدیث سفینه
سال بیستم، شمارهٔ ۷۹ «ویژهٔ پژوهش‌های حدیثی»، بهار ۱۴۰۲، ص ۱۳۰-۱۵۶

اصالت پیشوایی وکرامت حضرت زهرا علیهاالسلام برزنان عالم با تکیه بر واژه راکعین*

اکرم فاضلی بیابانکی[۱] / دکتر محسن احتشامی نیا[۲] / دکتر عبدالمجید طالب تاش[۳]

چکیده

بانوان جهان امروز به دلیل گم کردن خودحقیقی و جایگاه ارزشی شخصیتی، دچار بی‌هویتی شده و برای بدست آوردن کرامت و معصومیت از دست رفته خود به دنبال الگوها و مکاتب بشری سرگردانند. شناخت الگویی کامل، کریم و واحد در همه ابعاد وجودی و زندگانی، برای بانوان امروز به منظور حفظ عزت‌نفس و شرافت از دست رفته خود و حفظ جامعه بشری از غرق شدن در انحرافات امری حیاتی است. قرآن کریم حضرت مریم راکه مورد قبول ادیان یهود و مسیح است، الگوی زنان عالم معرفی نموده است. در حالی‌که با استنادبه آیه شریفه (آل‌عمران/۴۳) و یافتن مصادیق راکعین، با روش تحقیق موضوعی و تحلیل آیاتی‌که واژه رکوع و مشتقات آن را دربردارد ثابت می‌شودحضرت مریم با تمام صفات عالی و برگزیده که برای او ذکرشده بنابردستورالهی موظف است به حضرت زهرا به عنوان انسان کامل و کریم در همه ابعاد زندگی اقتدا کند و پیشوای خود قراردهد. این ادعا با بیان بعضی کرامات دوبانوتثبیت می‌شود. بدین ترتیب حضرت زهرابراساس دستورالهی به عنوان الگویی واحد و کریم برای تمام بانوان معرفی شده است.

کلیدواژه‌ها: پیشوا، کرامت، حضرت زهرا، مریم مقدس، راکعین.

---

* دریافت: ۱۴۰۱/۸/۱؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۱۷.

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
akramfazelibabaki@gmail.com

۲. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
m.ehteshaminia@yahoo.com

۳. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. talebtash@yahoo.com

۱. طرح مسأله

هر انسانی که جویای کرامت و پیشرفت همه جانبه در مسیر تکامل انسانی است، نیازمند الگویی کریم و تکامل یافته در همه ابعاد وجودی است تا از اعمال و رفتار اوسرمشق بگیرد و شخصیت خود را مطابق آن الگو بسازد. در انتخاب الگوی مناسب خصیصه کمال‌گرایی، انسان را از درون به حرکت وامی‌دارد تا خود را به کسانی که مظهر کمالات هستند نزدیک کند و صفات ایشان را اقتباس کرده وآنها را در شخصیت خود جذب نماید (شرفی، محمدرضا، ۱۳۷۹، ۱۹)؛ انسان کاملی که استعدادهای خدادادی در وجودش به عنوان خلیفه الله و ثمره خلقت به فعلیت تمام رسیده است. یکی از این استعدادها کرامت‌طلبی و عزت نفس است. از دلایل استمرار امامت و خالی نبودن زمین از حجت و انسان کامل در همین نهفته است که آدمی با اقتدا به سیمای فکری و اعتقادی، علمی و عملی و اخلاقی آنان درس فضیلت بیاموزد و راه عزت نفس و سعادت دنیا و آخرت خویش را بیابد.

اما چگونه می‌توان بهترین الگو را شناخت؟ و یک الگوی کامل و کریم برای بانوان، دارای چه خصوصیاتی است؟ مسلما استنادبه قرآن کریم باتوجه به عدم تحریف، و میزان اعتبار آن در بین مذاهب مختلف اسلامی و حتی غیرمسلمانان، بهترین روش برای انتخاب الگو و پیشوااست. والاترین بانویی که در قرآن کریم به عنوان باکرامت‌ترین زنان و الگویی نیک از او نام برده شده، مریم مقدس است (التحریم/۱۲) ایشان به درجه‌ای از کرامت و بندگی حق رسید که خدای تعالی او را برزنان عالم برگزید. (آل عمران/۴۲) اما از زندگی فردی و اجتماعی آن حضرت مطلب چندانی در دسترس نیست. از جهتی، بنابرروایات نبوی حضرت زهرا علیهاالسلام برترین زنان دوعالم است؛ بانویی که دارای کرامت و تکامل در تمام عرصه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی است. هرچند نام آن حضرت بنابر حکمت الهی در قرآن ذکرنشده، اما آیات فراوانی در شأن ایشان و جوددارد که اثبات می‌کند حضرت زهرا علیهاالسلام پیشوا و مقتدای تمام زنان جهان، حتی حضرت مریم است. البته کتابها و مقالات فراوانی در مورد شخصیت مریم مقدس و مقایسه ایشان باحضرت

زهرا نوشته شده، اما در این میان آیه‌ای که اقتدای مریم مقدس به حضرت زهرا را بیان می‌فرماید، تا حدود زیادی مورد غفلت قرارگرفته است. بر اساس آیه شریفه (آل عمران/۴۳) می‌توان ثابت کرد حضرت زهرا علیهاالسلام پیشوا و الگوی مریم مقدس بوده‌است. این نوشتار بر آن است تا با استناد به آیه شریفه و عبارت: «... وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ» (آل‌عمران/۴۳) و تحقیق و بررسی واژه «راکعین» در کل قرآن باروش تحقیق موضوعی قرآن، «سیدة نساء العالمین من الاولین و الآخرین» بودنِ حضرت زهرا علیهاالسلام و پیشوایی اونسبت به مریم مقدس را در قرآن کریم به اثبات برساند. علاوه بر آن ثابت شود حضرت زهرا باحفظ کرامت و عزت نفس در اعلی درجه آن، در جنبه‌های مختلف زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی فعالیت داشت. در صورت اثبات این ادعا، حضرت زهرا به عنوان الگویی برای تمام بانوان، اعم از یهودی، مسیحی و مسلمان شناخته می‌شود.

ضرورت این بحث زمانی کاملا ملموس است که دیده می‌شود زن امروز به دلیل نداشتن الگویی کامل و جامع در ابعادمختلف زندگی، دچار بی‌هویتی شده. او بیشتر از آنکه بخواهددرقوانین بشری دنبال عزت نفس و حقوق از دست رفته خودبگردد، نیاز به الگویی بی‌بدیل و کریم دارد تابا تأسّی از او بتواند در جامعه، در عین فعال بودن نه منفعل و بی‌اراده، باحفظ حرمت و عزت نفس زندگی کند. در جامعه مسیحیت، کلیسا با توصیفاتی همچون بکارت و پاکی و معراج حضرت مریم، می‌کوشد چهرهٔ ممتازاین بانوی مقدس را ترسیم کند. اما آن چه از خوداناجیل[1] در مورد شخصیت ایشان قابل برداشت است، با آن چه از تعالیم ارباب کلسیا دست می‌دهد، تاحدودی متفاوت است. در جامعه مسیحیت گروهی از بانوان که آن حضرت را پیشوای خوددانسته‌اند، رهبانیت و زندگی مجردی در کلیساها را برگزیده‌اند. با این اوصاف جامعه مسیحیت از داشتن الگویی کامل در عرصه‌های مختلف محروم مانده‌است. هرچند حضرت زهرا نیزدر بین بعضی مذاهب اسلامی به دلایل مختلف ناشناخته است.

۱. انجیل متی، ۱: ۱۸، ۱۲ و ۴۶، انجیل مرقس، ۳: ۳۱، انجیل لوقا، ۱: ۲۶، ۲: ۴، ۸: ۱۹، انجیل یوحنّا، ۲: ۵۱، و ۱۹: ۲۵.

درمورد **پیشینه تحقیق**؛ در ذیل آیه مبارکه (آل‌عمران/۴۲)، مفسران بحثهای تفسیری و روایی فراوانی مبنی بر برتری حضرت فاطمه یاحضرت مریم نموده‌اند، بعضی معتقدبه برتری حضرت مریم هستند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۲۱۸/۸) و حتی قائل به مقام نبوت برای ایشان هستند (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ۸۳/۴)، اما برخی قائل به برتری حضرت زهرا بر تمام زنان هستند. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۵۱/۲) و وجه اصطفای مریم بر دیگر بانوان را تنها در زایمان خاصّ وی می‌دانند و معتقدند واژهٔ عالمین مطلق است و مختص زمان خاصی نیست. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱۸۹/۳)، اما هیچ یک از مفسران شیعه و سنی به مصادیق راکعین نپرداخته‌اند.

پیشینه پژوهش: مقاله «تخصیص عمومیت واژه العالمین در برگزیدگی حضرت مریم» (احسان پوراسماعیل، بانوان شیعه، سال هفتم، ۱۳۸۹، شماره۲۴) که برای اثبات به بررسی روایات شیعه و سنی و واژه "العالمین" در قرآن پرداخته و در صدد اختصاص دادن این واژه به زمان زندگانی حضرت مریم است. مقاله: «**شخصیت حضرت زهرا علیهاالسلام در قرآن از منظر تفاسیراهل سنت**» (محمدیعقوب بشوی، طلوع نور، بهار ۱۳۸۶، شماره۲۱) که شخصیت و فضائل حضرت را بر اساس برخی آیات و سور و روایات معتبر اهل سنت بیان می‌دارد و آیات را از لحاظ اسباب نزول، شأن نزول، جری و تطبیق و بطن بررسی‌کرده ولی هیچ اشاره‌ای به آیه (آل‌عمران/۴۳) و توصیف کرامت حضرت زهرا نمی‌کند. مقاله: «**نقد و معرفی بانوی برتر**» (محمدمرادی، بینات، زمستان۱۳۸۶، شماره۴) با بررسی تعدادی از تفاسیراهل سنت و بیان برخی دیدگاههای آنان در آیاتی جزآیات مشهور، برتری حضرت زهرا را ثابت کرده و با اینکه نگاهی به آیه۴۲ /آل‌عمران دارد، اما به بیان مصداق راکعین نپرداخته است. البته به ندرت، بعضی نگارندگان نگاهی گذرا و شاید با تردید بر مصادیق راکعین داشته‌اند.

براساس بررسیِ به عمل‌آمده پیرامون این مسئله، می‌توان اذعان داشت تاکنون پژوهش مستقلی در این آیه انجام نشده‌است. البته تحقیقات پیشین به کامل بودن حضرت زهرا علیهاالسلام در تمام عرصه‌های زندگی نسبت به مریم مقدس اذعان داشته‌اند، اماهیچ یک در

مورد اقتدای حضرت مریم به حضرت زهرا علیهاالسلام بنابردستور الهی سخنی نگفته‌اند.

برای اثبات این ادعا لازم است؛ آیاتی را که در آن واژه "رکوع" و"راکعین" وجود دارد، به ترتیب از انتهای قرآن تحلیل و تدبر کرد تا به‌دست‌آید مصادیق "راکعین" در آیه: «يا مَرْيَمُ اقْنُتي لِرَبِّكِ وَاسْجُدي وَارْكَعي مَعَ الرَّاكِعينَ» (آل عمران/۴۳) چه کسانی هستند[۱]. باید در نظر داشت که در سیاق آیه به نشان و صفات راکعین هیچ اشاره‌ای نشده‌است. در این نوشتار به این سوالات پاسخ داده می‌شود که؛ راکعین چه کسانی بودند؟ و حضرت مریم دارای چه کمالات و کراماتی بود که به مقام «اصْطَفاكِ عَلى نِساءِ الْعالَمينَ» رسید و با این اوصاف چرا همچنان باید به دستور الهی به"راکعین" اقتدا نماید؟ و کرامت حضرت‌زهرا در چیست و چه برتری بر شأن و کرامت مریم مقدس دارد؟ بدین‌سان، پیشوایی حضرت زهرا نسبت به حضرت مریم به اثبات می‌رسد.

۲. مفهوم شناسی

۲-۱. پیشوا: هم معنای امام، مقتدا، اسوه و رهبراست (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ذیل‌واژه) امام، یعنی کسی که از وی پیروی و به وی اقتدا شود، خواه انسان باشد یا غیرآن، چه برحقّ باشد و چه برباطل. (راغب۱۴۱۲ق، ۸۷) امام حق، هدایت‌کننده‌ای است که با امری ملکوتی که در اختیار داردهدایت می‌کند. پس امامت از نظرباطن یک نحوه ولایت است که امام در اعمال مردم دارد، و هدایتش صِرف راهنمایی از طریق نصیحت و موعظه حسنه نیست، بلکه دست خلق گرفتن و به مقصد رساندن است. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۲۷۴/۱) امام و پیشوا باید ذاتاً سعید و پاک و معصوم باشد. (یونس/۳۵) و راه یافته‌ای است که خود نیاز به هدایت ندارد. پس هرکس که کوچکترین ظلم و معصیت و شرکی از او صادر شده باشد، در هرمرحله از عمرش باشد، به درجه امامت نائل نمی‌گردد.

۲-۲. کرامت: در کرامت دو معنی وجود دارد؛ جلالت و شکوه، احسان‌بخشی (راغب/۷۰۷) کرم در شخص بنفسه و ذاتی وجود دارد. (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۱۱۳/۱۷) و مقابل

---

۱. برای اطلاع بیشتر، ر. ک؛ محمدعلی لسانی، حسین مرادی، روش تحقیق موضوعی درقرآن کریم، قلم مهر، ۱۳۸۵.

پستی‌است. کرامت، عزت و برتری در نفس چیزی است، در حالی‌که در آن استعلاء نسبت به غیری که او کمتر از آن باشد، لحاظ نمی‌شود. اما مفاهیم؛ جود، سخاء، اعطاء، صفح، عظم، نزه، مرضیّ و محمود بودن شیء، حَسَن، مصون یا غیرلئیم بودن از آثار و لوازم آن‌است. بنده زمانی از صفت کریمِ خدای تعالی بهره می‌برد که منزه از پستی‌ها و ذلت مادی و روحانی باشد و متفوق در نفس و عزیز در باطن خود باشد. مکرمین در مقامی سیرمی‌کنند که در حیاتشان غیر آنچه خدای‌تعالی امرکرده و عملی خلاف آنچه امر شدند، نیست. (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ۵۳/۱۰) در این میان تنها انسانهایی کرامت کسب می‌کنند، که دارای جهان‌بینی صحیح باشند و استعدادهای خدادادی خویش را، برای کسب کمالات انسانی به‌کارگیرند.

۲-۳. رکوع: هر نوع خمیدگی را رکوع می‌گویند. (جوهری، ۱۳۷۶، ۱۲۲۲/۳) به هر چیزی یا کسی که به روافتاده باشد، چه زانوانش به زمین برسد یا نه و بعد از این که سرش را پایین آورد، راکع گفته می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۲۰۰/۱) به طوری‌که "راکع" یعنی "منحنی" و "رکوع" برابر است با "انحناء". (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۳۳/۸) سپس کلام تحوّل یافته و اساساً به نمازگزار، راکع گفته شده‌است. (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ۴۳۶/۲) و استعمال آن در معنای "خضوع" نیزمَجازشمرده می‌شود. (قرشی، ۱۳۷۱ش، ۱۲۰/۳) رکوع را به سه نوع؛ ظاهری، روحانی و جامع قسمت کرده‌اند. (مصطفوی، ۲۳۰/۴) پس رکوع نوعی تعظیم برای تواضع است که در اسلام به عنوان یک عمل خاص در نماز شمرده می‌شود و جزء شعائر و نُسک اسلامی محسوب می‌شود. اما در "قاموس کتاب مقدس" و "دائره‌المعارف بزرگ کتاب مقدس" رکوع به عنوان جزئی از نماز در آیین یهود وجود ندارد و عبادات آنها به شکل ایستاده یا نشسته که بیشترحالت دعا دارد، انجام می‌شود. اما بااین همه باتوجه به دستوراتی که خدای تعالی به حضرت ابراهیم (حج/۲۲) و حضرت مریم علیهاالسلام (آل‌عمران/ ۴۳) داده است، به نظر می‌رسد ایشان با واژه رکوع آشنا بوده‌اند.

۲-۴. معیت: "مع" در لغت، مصاحبت و همراهی است (ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ۱۱۰/۱) که‌اقتضای نصرت و یاری دارد. (راغب، ۷۷۶) در قرآن در اکثرموارد در معنای اصلی بکاررفته

که در سه نوع مطلق، مطلوب و نامطلوب، نمود پیدا کرده است. از نمونه‌های همراهی مطلوب، همراهی مؤمنان با پیامبر در نماز خوف (نساء/۱۰۲) که از نوع معیت در آیه (آل عمران/۴۳) است و این معیت به «نحو اقتدا» (طباطبایی، ۶۲/۵) است.

۳. مصادیق راکعین در قرآن کریم

برای اثبات پیشوایی حضرت زهرا علیهاالسلام لازم است مصادیق حقیقی راکعین در عبارت «... وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ» (آل‌عمران/۴۳) بیان شود، برای این منظور باید آیاتی که دارای واژه"رکوع" و مشتقات آن هستند، با روش تحقیق موضوعی تحلیل و توصیف شوند. بدین‌روی آیات قرآن بر اساس جدول ذیل مورد بررسی قرارگرفت؛

جدول آیات

شماره ردیف	شماره سوره و آیه	نام سوره	عبارت قرآنی	شماره آیات‌سیاق	تعداد آیات سیاق
۱	۴۸/ ۷۷	المرسلات	اركعوا لايركعون	۵۰.۴۱	۱۰
۲	۲۹/ ۴۸	الفتح	ركعا سجدا	۲۷.۲۹	۳
۳	۲۴/ ۳۸	ص	وَ خَرَّ رَاكِعًا	۲۶.۱۵	۱۲
۴	۷۷/ ۲۲	الحج	اركعوا و اسجدوا	۷۸.۷۳	۷
۵	۲۶/ ۲۲	الحج	وَ الرُّكَّعِ السُّجُود	۳۳.۲۶	۸
۶	۱۱۲/ ۹	التوبه	الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُون	۱۱۸.۱۱۱	۸
۷	۵۵/ ۵	المائده	وَ هُمْ رَاكِعُون	۵۶.۵۱	۶
۸	۴۳/ ۳	آل عمران	والركعي مع الراكعين	۵۴.۴۲	۱۳
۹	۱۲۵/ ۲	البقره	وَ الرُّكَّعِ السُّجُود	۱۲۹.۱۲۲	۸
۱۰	۴۳/ ۲	البقره	واركعوا مع الراكعين	۴۶.۴۰	۷
				جمع آیات	۸۲

در این بررسی، ابتدا غیرراکعین «وَإِذا قيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لا يَرْكَعُون» (المرسلات/۴۸) از دایره بحث خارج می‌شوند. دستور به رکوع، یابه معنی تواضع و خشوع در برابر معبود و اوامر و نواهی اوست (آلوسی، ۱۹۷/۱۵) یا مراد نماز است. (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ۴۳۵/۵؛ صاوی، ۱۴۲۷ق، ۳۱۱/۱۴) در هر صورت با توجه به فعل مضارع «لایرکعون» و تکرار جمله «ویل للمکذبین» در سوره، بدست می‌آید که اینان همواره عالم غیب را انکارمی‌کنند و اهل تقوا و احسان نیستند. (المرسلات

/۴۴و۴۶) به دلیل غرور و تکبر و در نتیجه آن عناد و لجاج، اهل تسلیم و تواضع نیستند و به جهت اعمال و عقایدشان از دایره رکوع کنندگان خارج می‌شوند.

اما در مقابل، کسانی هستندکه دائم در حال رکوع و سجودند (الفتح/۲۹). اینان یاران و همراهان رسول خدا در هر زمان‌اند که همواره در خشوع و خضوع و نماز هستند. نقل شده است که رسول خدا با سپاهیانش هرگاه بر فرازی می‌رسیدند، هنگام صعود، "الله اکبر" و هنگام هبوط، "سبحان الله" می‌گفتند. (جوادی آملی، ۱۳۹۱ش، ۳۸/۱۱) آثار این همه در رخسار و اعمال آنان نمایان است. آیهٔ شریفه در صدد توصیف مؤمنان به رسول خدا است، که "شدت" و "رحمت" دوصفت متضاد، از صفات ایشان شمرده شده (طباطبایی، ۲۹۹/۱۸) و خشم و خشنودی آنان همواره برای خداست. (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ۱۰۲/۷) تعبیر «والذین معه» سخن از همراهی در فکر و عقیده و اخلاق و عمل و گفتار است و مختص کسانی نیست که همزمان باایشان بودند. (مکارم، ۱۳۷۱ش، ۱۱۵/۲۲) همچنین معیت و بیعت موجب می‌شودکه بیعت کننده کیفیت بیعت شونده را به خودبگیرد و برحسب نفس و فعلیت اخیر صورت نازله‌ای از بیعت شونده را پیداکند. (سلطان علی شاه، ۱۴۰۸ق، ۹۹/۴) صفاتی را که خدای تعالی برای مومنان بیان فرموده، درجه اعلای آن متصف به پیامبرگرامی است. و آنان که همواره و از همه جهت در معیت ایشان بودند؛ حضرت علی و حضرت فاطمه علیهما السلام هستند.

اما آنچه در این مبحث اهمیت دارد؛ توصیف این راکعین است که در تورات و انجیل به طور جداگانه آمده است: «ذٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ ...» (الفتح/۲۹) اوصاف آنان در تورات، اوصافی است که ابعاد وجود آنها را از نظر عواطف و اهداف و اعمال و صورت ظاهربیان می‌کند و اوصافی که در انجیل آمده، بیانگر حرکت و رشد آنها در جنبه‌های مختلف است. (مکارم، ۲۲/ ۱۲۵) سلیم بن‌قیس‌هلالی در روایتی طولانی از ملاقات راهب مسیحی با امیرالمومنین علیه السلام در راه صفین، نقل می‌کند که نام حضرت محمد صلی الله علیه و آله با تمام خصوصیات ظاهری و باطنی و رسالتش و همچنین جانشینان آن حضرت، باخصوصیات کامل و نام غاصبان حکومت ایشان و دشمنان آن حضرت، در کتاب حضرت عیسی علیه السلام آمده‌است. (هلالی، ۱۴۰۵ق، ۷۰۵/۲) اما در کتاب مقدس که

امروز به دست یهودیان و مسیحیان است، کلامی به صراحت درباره اهل‌بیت و جانشینان دوازده‌گانهٔ پیامبراسلام وجودندارد. فقط این مورد در تورات می‌تواند اشاره‌ای بر این مطلب باشد: خداوندبه حضرت ابراهیم علیه‌السلام فرمود: «اما درباره اسماعیل تورا اجابت فرمودم. اینك او را برکت داده بارورگردانم و او را بسیارکثیرگردانم. دوازده رئیس (امیر) از وي پدیدآیند و امتی عظیم از وي به وجودآورم.» (سفرپیدایش، باب۱۷، جمله۲۲) دلالت جمله بر دوازده امیری قابل انطباق است که قرنها بعد، از میان فرزندان اسماعیل به وجودمی‌آیند. بنابراین جمله تورات اشاره بر اهل بیت دوازده‌گانهٔ رسول خدا دارد؛ هر چند در انجیل موجود، مطلبی که اشاره‌ای بر این موضوع باشد، دیده نمی‌شود.

در آیه شریفه، مصداق راکعین؛ حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله است و کسانی که همراه و شبیه‌ترین از نظر ایمان و تقوا و عمل صالح به ایشان و نمونه کامل تبری و تولی هستند، به طوری‌که آثارایمان و تقوای آنها در رخسارشان نمایان و نام و وصف ایشان در کتب انبیاء پیشین آمده‌است.

در سوره حج نیز خدای‌تعالی به مومنان امربه رکوع می‌فرماید: «يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ ارْكَعُواْ وَاسْجُدُواْ...» (الحج/۷۷) در سیاق آیه به خوبی صفات راکعین و ساجدین بیان شده و تمام عبارات گواه بر این است که آیه در حق حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و خاندان پاکش نازل شده‌است؛ در عبارت: «وَجَاهِدُواْ فِي اللهِ حَقَّ جِهَادِهِ» جهاد را مطلق آورده و این در طاقت هرکسی نیست. حق جهاد خدا، یعنی هیچ انانیتی از عبد باقی نماند. بنابراین خطاب در مرتبه اول، به اهل بیت پیامبراست. «مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيم» همانطور که در همه تفاسیرآمده‌است از لحاظ نسبی حضرت ابراهیم و اسماعیل پدران حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت ایشان هستند و: «لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًاعَلَيْكُمْ وَتَكُونُواْ شُهَدَاءَعَلَى النَّاس» این عبارات همه دلالت بر اختصاص آیه بر ائمه معصومین علیهم‌السلام دارد، زیرا کسی می‌تواند شاهد و گواه بر اعمال دیگران باشد که خود اهل گناه نباشد و همه آنچه را که باعث ضلالت و تباهی مردم می‌شود، بشناسد. «واعْتَصِمُواْ بِاللهِ» یعنی با اعتصام به ولایت، تمسک به خداجویید و مقصود، تمسک جستن به جانشینان خدا و به طریق خداست که همان طریق ولایت است. (سلطان علی‌شاه،

۱۴۰۸ق، ۷۸/۳) طباطبایی نیزمعتقد است؛ کلمات اجتباء، اسلام، شهادت و اعتصام در آیه به گونه‌ای نیست که شامل همه مسلمین شود و به طور قطع، معنای حقیقی این کلمات مورد نظراست و نسبت دادن به همهٔ امت، از باب مَجاز و توسّع است. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۴۱۳/۱۴) که در میان امت افرادی وجود دارد که دارای این صفات باشند.

از امیرالمومنین علیه‌السلام نقل شده‌است: «(وقتی آیه نازل شد) سلمان به پا خاست و عرض کرد: یارسول‌الله، اینان چه کسانی‌اند که تو برآنان شاهدی و آنان برمردم شاهدند، و خداوند آنان را برگزیده و در دین برآنان سختی قرارنداده، همان که دین پدرشان ابراهیم است؟ فرمود: از این جمله فقط سیزده نفرقصد شده و هیچ کس دیگری از امت قصد نشده است... من و برادرم و یازده نفرازفرزندانم. (هلالی، ۱۴۰۵ق، ۶۴۷/۲ و ۸۵۵؛ قمی، ۱۳۶۳ش، ۸۸/۲؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱۹۱/۱) و همه تصدیق‌کننده این مطلب است که مصداق واقعی آیه، نبی اکرم و ائمه معصومین علیهم‌السلام هستند.

آنچه از نص آیه به‌دست می‌آید؛ راکعین افرادی‌اند با این ویژگی‌ها: متواضع که درجات عبادت و بندگی را خالصانه به جا می‌آورند، در خیرکوتاهی نمی‌کنند، اهل مجاهده و تلاش در غلبه برهوای نفس‌اند. مسلماً برترین درجهٔ عبودیت، خاصّ معصومین علیهم‌السلام است که شاهد براعمال مؤمنان‌اند.

از دیگرآیات مورد بحث که در وصف ائمه معصومین است: «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنكَرِ وَالحَفِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (التوبه/۱۱۲) گویا آیه شریفه در وصف مومنان پرسیده است: مؤمنان که بشارت داده شده‌اند چه کسانی هستند؟ جواب فرمود: توبه‌کنندگان. یعنی توبه‌ای که به دست جانشینان خدا جاری می‌شود؛ آنان که از بندگی نفسهایشان درآمده و در بندگی مولایشان داخل شده‌اند و هر کمال و جمالی را از خدا مشاهده کرده‌اند، که حمدحقیقی همان است، و خدا را طبق اعتقاد و شهودشان به کمال و جمالش ذکر می‌گویند؛ در اراضی عالم صغیر و عالم کبیرسیاحت می‌کنند و نهایت خضوع و تذلل در مقابل معبود را دارند و نسبت به اهالی عوالم خودشان یا نسبت به اهل عالم کبیر، پس از استکمال اهالی عوالم

خودشان و فراغت از آنها، آمربه معروف و ناهی از منکر هستند. (سلطان‌علی‌شاه، ۲۸۱/۲) این صفات شریفه، صفاتی است که ایمان مؤمن با آنها تمام و کامل می‌شود و با داشتن آنها مستوجب وعده قطعی خدابه بهشت می‌گردد. (طباطبایی، ۳۹۶/۹) و آن وعده، خرید جان و مال مومنین به بهای بهشت است (التوبه/۱۱۱).

در مورد آیه (توبه/۱۱۲) امام باقر علیه‌السلام فرمود: این آیه برای اهل بیت حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله است و هرکس که آنها را تبعیت کند، به سوی خیرخوانده می‌شود. همچنین از امام علی علیه‌السلام در موردآیه فرمود: «أَنَّ الْمُرَادَ بِالْآيَةِ الرَّجُلُ يُقْتَلُ عَلَى الْأَمْرِبِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ.» (حویزی، ۱۴۱۵ق، ۸۶/۲). آن چه مسلم است؛ ائمه معصومین همگی در مسیر امربه معروف و نهی از منکر به شهادت رسیدند و اولین شهید این راه حضرت زهرا علیهاالسلام بود. روایت دیگری نیزاز امام صادق علیه‌السلام است که فرمود: «... نحن الصّلاة في كتاب الله عزّوجلّ ونحن الزكاةو نحن الصّيام ونحن الحجّ. ونحن الشّهرالحرام ونحن البلد الحرام ونحن كعبة الله ونحن قبلة الله ونحن وجه الله، قال الله تعالى: فَأَيْنَما تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللهِ. ونحن الآيات ونحن البيّنات.» (قمی، ۴۰۶/۲) از امام صادق علیه‌السلام است که آیه شریفه (توبه/۱۱۲) در شأن ائمه طاهرین نازل شده و شاهد براین مدعا آن است که خدای تعالی در این آیه آنها را به صفتی می‌ستاید که آن صفات در غیرائمه معصومین یافت نمی‌شود: «وَالحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللهِ» (بروجردی، ۱۳۶۶ش، ۱۷۳/۳) قمی نیزمعتقد است آیه شریفه در حق ائمه معصومین نازل شده است. (قمی، ۱۰۹/۱) زیرا در میان تمام مردم، فقط ائمه علیهم‌السلام طاهرین عالم براین امورهستند.

در آیه‌ای بعدخدای تعالی امربه برپایی نماز و پرداخت زکات دارد و در ادامه دستوربه رکوع می‌دهد: «وَأَقِيمُواْ الصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ الزَّكَوٰةَ وَارْكَعُواْ مَعَ الرَّاكِعِينَ» (البقره/۴۳) اما این دستوربه یهودمدینه بوده‌است، مبنی براین که نماز جماعت را بامسلمانان برپا دارند. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۱۳۳/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲ق، ۳۸۵/۱). طبق سیاق آیات خدای تعالی آنان را به پذیرش اسلام و وفای به عهد و ایمان به آنچه تصدیق کننده بین آنان و مسلمین باشد، دعوت می‌فرماید: (البقره/۴۰). گفته شده عهدی که آنان بایدپیروی می‌کردند، پیروی از آیین محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله بود (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۲۰۸/۱). در دستورات بعدی باز براین مسئله تاکید

می‌فرماید: «وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (البقره/۴۲) یکی از موارد حقی که کتمان می‌کردند، نبوت رسول اکرم ﷺ بود.

در روایتی آمده است: «فی قوله وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ، ای کونوا فی امة محمد (صلوات‌الله‌علیه‌وآله) ومنهم» (میبدی، ۱۳۷۱ش، ۱۷۱/۱) و منظور از راکعین: «الذین سبقوکم بالإیمان» (بغوی، ۱۴۲۰ق، ۱۱۰/۱) از ابن عباس روایت شده که «وارکعوا مع الراکعین» قطعاً در مورد رسول‌الله و علی‌بن‌ابیطالب نازل شده و آن دو، اولین کسانی بودند که نماز خواندند و رکوع کردند.» (کوفی، ۱۴۱۰ق، ۵۹/۱. بحرانی، ۱۴۱۵ق، ۷۲۷/۲). در حدیث مفصلی از امام حسن عسکری علیه‌السلام نیز آمده است که این آیات در حقانیت حضرت محمد ﷺ وامامت امیرالمومنین علیه‌السلام و پاکان خاندان اوست، که آن را یهود به خوبی می‌دانستند، ولی کتمان و پنهان می‌کردند. (حسن بن‌علی علیه‌السلام، ۱۴۰۹ق، ۲۲۸/۱) باتوجه به سیاق آیه و روایات تفسیری چنین حاصل می‌شود که دستور «وَ ارْكَعُواْ مَعَ الرَّاكِعِين» خطاب به یهوداست مبنی براینکه یادآوری شوند که مسیر و هدف همه ادیان الهی یکی‌است. اشاره به رکوع، اشاره ظریفی به یهوداست که هم دعوت آنان به دین اسلام را دربردارد و هم تکامل ادیان را نشان می‌دهد. چون آنان نیز نماز بجا می‌آورند، با این تفاوت که نمازشان رکوع ندارد، همچنین اقتدای آنان به نبی اکرم و حقانیت آن حضرت را درپی دارد، ضمن اینکه می‌رساند، یهود از راکعین نبودند.

راکعین از چنان مقامی برخوردار بودند که خدای تعالی به پیامبربزرگ خود حضرت ابراهیم علیه‌السلام دستورمی‌دهد: «... أَن لَّا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ» (الحج/۲۶) خانه را از هرناپاکی و رجس خالی کن تابرای... راکعین و ساجدین، آماده باشد. نظیر همین دستور، در (البقره/۱۲۵) نیز آمده است، البته بعد از آن بود که خدای تعالی حضرت ابراهیم را به مقام امامت رساند (البقره/۱۲۴) در مورد مقام امامت حضرت ابراهیم از امام صادق علیه‌السلام روایت است: «إنّ الله تبارك و تعالی اتّخذإبراهیم عبدا، قبل أن یتّخذه نبیّا و إنّ الله اتّخذه نبیّا، قبل أن یتّخذه رسولا و إنّ الله اتّخذه رسولا، قبل أن یتّخذه خلیلاوإنّ الله اتّخذه خلیلا قبل أن یتّخذه إماما.» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ۱۲۴/۹) این مسئله نشان

می‌دهدراکعین از چنان مقام والایی برخوردار هستند که حضرت ابراهیم با آن شأن و مقام والا که پس از ابتلائات گسترده بدان رسید، مأمور شد خانه‌ای را که خدای تعالی به خودنسبت داده، برای آنان از هر رجس و پلیدیِ مادّی و معنوی طاهرگرداند. ضمن اینکه آیه شریفه بهترین مکان برای رکوع را نیز معین می‌کند. از امام موسی کاظم علیه‌السلام روایت شده که منظورآیه: «آلَ مُحَمَّدٍ (صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ)» است. (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ۸۷۰/۳، قمی‌مشهدی، ۱۲۴/۹) و همه آنچه در تدبّر آیات قبل به دست آمد، مؤیدهمین مطلب است.

اما آیه‌ای که نزول آن را قریب به اتفاق محدثان و مفسران در شأن امام علی علیه‌السلام می‌دانند: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُواْ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَوٰةَ وَهُمْ رَاكِعُون» (المائده/۵۵) آیه مبارکه سخن از ولایت و سرپرستی خدا و رسولش و شخص سومی را به میان آورده است که به نظر اکثر مفسران شیعه و سنی شخص سوم امیرالمومنین علیه‌السلام است. (زمخشری، ۶۴۹/۱؛ رازی، ۳۸۳/۱۲؛ قرطبی، ۲۲۱/۶؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ۱۳۲/۴؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ۴۸۶/۱) بنابراین آیات ۵۵و۵۶ سوره مائده با دلایل متقن و طبق نظر اکثر مفسران در شأن امام علی علیه‌السلام نازل شده و متضمن تنصیص بر ولایت و خلافت آن حضرت است. آیه شریفه در بین آیاتی قراردارد که نهی از ولایت اهل کتاب و کفار دارد. با تدبر در این آیات می‌توان خصوصیات ولیّ و پیشوا و مقتدا را به‌دست آورد. بنابراین؛ امیرالمومنین علیه‌السلام به عنوان مصداق واقعی راکعین و مقتدا و پیشوایی است که هرکس خدا و رسولش را به عنوان ولی و سرپرست قبول دارد، باید به او اقتدا کند.

در آیه مبارکه: «يَامَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِين» (آل عمران/۴۳) در سیاق آیه از مصداق "راکعین" و یا خصوصیات آنان سخنی به میان نیامده است. از جهتی در آیه قبل، خداوند در مورد حضرت مریم علیهاالسلام می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَئِكَةُ يَامَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَئكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَئكِ عَلَىَ نِسَاءِ الْعَالَمِين» (آل عمران/۴۲) یعنی آن حضرت به مقامی رسیدکه ملائکه با اوسخن می‌گفتند و به او بشارت دادند که خداوند تورا برگزید و طاهرو پاک گرداند، به عبارتی او را به مقام عصمت رساند و برتمام زنان جهان برتری داد. حال با این اوصاف در آن زمان، حضرت مریم علیهاالسلام به چه کسانی باید اقتدا می‌کرد که والاتر از آن

حضرت باشند؟ درجایی که حتی کفالت آن حضرت را به کسانی که در معبد به عنوان پیشوایان دین بودند و درباره تکفل وی با یکدیگر نزاع داشتند، نسپرد. از طرفی حضرت زکریا نیز از انبیاء بنی‌اسرائیل و آیین اویهود بود و یهودیان در نمازشان رکوع ندارند. هرچند واژه راکعین جمع است و منظور از آن نمی‌تواند حضرت زکریا باشد.

با جمع بندی دلایل ذکرشده در مورد راکعین، به طور متقن و موثق می‌توان ادعا کرد؛ "راکعین" در آیه شریفه نیز مانند آیات قبل، ائمه معصومین علیهم‌السلام هستند و چون خطاب آیه به مریم مقدس علیهاالسلام بوده، کاملا واضح است که اقتدای آن حضرت به عنوان یک بانو[1]، به"حضرت فاطمه علیهاالسلام" بوده‌است و واژه" راکعین" از باب تغلیب مذکرآمده‌است. یعنی حضرت مریم ـ با تمام صفات نیک و کمالاتی که از او در قرآن کریم ذکرشده و برزنان جهان برتری داده شده است ـ باید به حضرت زهرا به عنوان الگویی کامل در تمام ابعاد زندگی و وجودی اقتداکند.

با اثبات این ادعا هیچ شکی در پیشوایی و برتری حضرت زهرا باقی نمی‌ماند. اما حضرت زهرا چگونه و با چه کراماتی به چنین مقامی رسید؟همچنین حضرت مریم دارای چه کراماتی بود که برگزیدهٔ خداوند برزنان عالم قرارگرفت؟ ضرورت دارد صفاتی‌که بیان کنندهٔ کرامات و عزت نفس آن دوبانواست، در نگاهی هرچندکوتاه، بررسی و تحلیل شود تا راه گشایی برای جویندگان کرامت و همچنین تاییدی برادعای پیشوایی حضرت زهرا علیهاالسلام باشد.

۴. صفات دو بانوی کرامت

حضرت زهرا علیهاالسلام ازمهم‌ترین شخصیت‌هایی است که در عقاید و فرهنگ شیعه جایگاهی محوری و مرجع ارتباطی بین نبوت، امامت و ولایت دارد. خود نیزبه عنوان یک انسان کامل دارای مقام امامت است و حضرت مریم علیهاالسلام نیزبه چنان مقام و کمالاتی رسید که خدای

۱. از آن جهت که خلق وخوی زنانه ومسئولیت‌هایی که درنظام خلقت بردوش آنان نهاده شده، ایجاب میکند زنان الگوی مطلق واسوه‌ای بی‌بدیل ازجنس خود داشته باشند تابتوانند تمام آنچه عقول وعقلا ازجنس "زن" انتظاردارند، دررسوم وسیره اخلاقی، فردی وخانوادگی واجتماعی اوبنگرند وازاوپیروی کنند.

تعالی او را در بین تمام زنان عالم به عنوان اسوه برگزید و برتری داد.

از امام صادق علیه‌السلام روایت شده: «لِفَاطِمَةَ علیهاالسلام تِسْعَةُ أَسْمَاءَ عِنْدَاللهِ عَزَّوَجَلَّ: فَاطِمَةُ وَالصِّدِّيقَةُ وَ الْمُبَارَكَةُ وَالطَّاهِرَةُ وَالزَّكِيَّةُ وَالرَّاضِيَةُ وَالْمَرْضِيَّةُ وَالْمُحَدَّثَةُ وَالزَّهْرَاءُ. ثُمَّ قَالَ: تَفْسِيرُ فَاطِمَةَ؛ فُطِمَتْ مِنَ الشَّرِّ...» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ۴۱۴/۲) یعنی خدای‌تعالی خود، حضرت زهرا علیهاالسلام را، به این اسماء خواند. مسلماً کثرت اسماء و خصوصیات دلیل بر این است که شخص دارای مقامات متعددی است که در یک اسم و یک لفظ نمی‌گنجد. البته در این مجمل نمی‌توان به طورکامل به بیان مقامات آن حضرت پرداخت که این خودنیاز به نوشتاری مجزا دارد، بلکه تنهابه چند صفت که جامع صفات را دربردارد اشاره‌ای کوتاه می‌گردد. البته تمام اوصافی که در مورد راکعین بیان شد آن حضرت به طور اتمّ و اکمل دارا است. در این نوشتارسعی بر آن است که اوصاف و کرامات آن دو بانو، براساس آنچه در قرآن کریم ذکرشده‌است بیان شود. هرچند تمام کمالاتی که در قرآن کریم برای حضرت مریم توصیف شده، به طریق اولی حضرت زهرا به آن متصف است.

۴-۱. مقام امامت

بنابرآنچه بیان شد، حضرت زهرا امام و پیشوای حضرت مریم و در پی آن همه زنان عالمین است. البته به عقیدهٔ یکی از محقّقان؛ امامت و ولایت نیزبه یک معنا بردو قسم است؛ امامت ملکی یاسیاسی و امامت ملکوتی یا تکوینی. مراد از ولایت ملکوتی، نوعی اقتدار و تسلّط تکوینی است که با پیمودن صراط عبودیّت و رسیدن به مقام قرب برای امام، به اذن الهی حاصل می‌شود و شخص باداشتن چنین قدرتی قافله سالارمعنویّات، مسلّط برضمایرو شاهد براعمال و حجّت زمان می‌شود. زمین هیچ‌گاه از ولیّ که حامل چنین معنویّتی باشد، خالی نیست. ولایت به این معنا غیراز نبوّت و غیرازخلافت و غیر از وصایت و غیراز امامت به معنای مرجعیّت دینی و یا حتّی زعامت سیاسی است. اساساً مسئله ولایت بدون قبول ولایت معنوی و تکوینی ولایت نیست. (مطهری، ۱۳۷۸ش، ۹۹). همچنین، امامت ولایتی است که امام در اعمال مردم دارد. (طباطبائی، ۱۳۷۴ش، ۱/

۱۴۱۱) و به این معنا، نوعی تصرّف تکوینی در نفوس است که باآن تصرّف، راه را برای بردن دلها به سوی کمال هموارمی‌سازد. (طباطبایي، ۱۳۷۴ش، ۴۲۸/۱۴) هدایت امام نیز، از نوع هدایت به نحوایصال به مطلوب؛ یعنی گرفتن دست خلق و رساندن به حق است. (طباطبایي، ۱۳۷۴ش، ۴۱۱/۱). برخلاف امامت سیاسی که در یک زمان تعددپذیر نیست، امامت ملکوتی تعددپذیر و محقق است. حضرت زهرا علیهاالسلام به عنوان انسان کامل، امام به معنای زعیم سیاسی نبود، اما واجد مقام امامت ملکوتی و وجودی بود و هرآنچه در تعریف مقام امام گفته شده، او داراست.

بنابراین حضرت مریم بعد از برگزیده شدن و رسیدن به مقام عصمت و قبل از مادر پیامبر خدا شدن، دستور دارد به حضرت زهرا، که دارای مقام امامت ملکوتی بوداقتدا کند. ادعای گزافی نیست با تدبری که در آیات انجام شد، گفته شود که مریم مقدس مقامات معنوی خود را در اقتدا به حضرت زهرای مرضیه علیهاالسلام به دست آورد.

۴-۲. صدّیقه

از بالاترین صفات حضرت فاطمه علیهاالسلام "صدّیقّه شهیده[۱]" است، به طوری که دیگر صفات تحت آن قرار می‌گیرند. صدیقه‌ای که شاهد اعمال امت است و در قیامت به آنها گواهی می‌دهد و به همین دلیل حتماً دارای مقام عصمت است. صدّیق: کسی است که همه اوامر خدا و نبی را بدون هیچ تردیدی تصدیق می‌کند. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۵۶/۵)، صدق و راستی زیاد از او سرزده و ملکه است. و صدق خود را با عمل و کردارش ثابت و محقق می‌دارد. (راغب، ۱۴۱۲ق، ۴۷۹) چنین کسی جز حق تعالی را هم نمی‌بیند، پس او حقایق اشیا را می‌بیند، و حق می‌گوید و حق انجام می‌دهد. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۴۰۸/۴) بعد از مقام و رتبه نبوت، در فضلیت و علم، مقامی و توصیفی بالاتراز"صدّیق" بودن نیست، چنین فردی معارف را از انبیاءاخذ کرده و خود یک معیار برای آیندگان می‌شود.

---

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرَكِيِّ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ علیه‌السلام قَالَ: إِنَّ فَاطِمَةَ علیهاالسلام صِدِّيقَةٌ شَهِيدَة. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۴۵۷/۱) البته اکثرعلما درشرح صفت "شهیده" درصدد اثبات نوع رحلت وشهادت آن حضرت هستند. به طورمثال (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۵۰۷/۸، لوامع صاحبقرانی)، در حالی‌که این صفت طبق آیۀ قرآن، در معنای گواه و شاهد آمده است.

(رازی، ۱۴۲۰ق، ۱۷۳/۱۰) کسی را صدیق می‌نامند که همه گفتار و رفتار و حالات و نیات و اراده‌های او بر اساس ملکهٔ "صدق" صادر شود. (سبزواری، بی‌تا، ۵۴۸) قرآن کریم حضرت مریم را نیز با عنوان" صدّیقه" یاد کرده است: «ما الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ...» (المائده/۷۵) صدیقه بود و آیات خدا را تصدیق می‌کرد و هنگامی که بشارتی از فرشته‌ها شنید و جبرئیل با او سخن گفت، آنها را تصدیق کرد، (رازی، ۱۴۲۰ق، ۴۰۹/۱۲) در حالی که حضرت زکریا هنگامی که بشارت پدر شدن را دریافت کرد، از خدای تعالی نشانه‌ای خواست. (آل‌عمران/۴۱). شاید بتوان گفت حضرت زکریا به واسطه مقام مریم صاحب فرزند شد. (آل‌عمران/۳۷) امّا حضرت زهرا علاوه بر صدیقه، دارای مقام شهادت نیز هست. شخصی که به"مقام عصمت" نرسیده باشد، در چنین مقامی قرارنمی‌گیرد. شاهدان اعمال در روز قیامت باید دارای ویژگی‌هایی باشند؛ « الف) اعمال را در ظرف تحقق آن یعنی دنیا ملاحظه کرده باشند و به استناد کلام دیگری نمی‌توانند شهادت دهند. ب) هم بر ظاهر عمل شهادت می‌دهند و هم بر باطن آن، زیرا شاهد کامل، شاهدی است که از پوستهٔ ظاهر بگذرد و به درون عمل نفوذکند. ج) شاهدان اعمال باید از هرگونه خطا در مقام تحمل اعمال و سپس گواهی به آن مصون باشند، تا شهادت آنها کاملا درست و واقعی باشد.» (دیوانی، ۱۳۷۶ش، ۳۱۶-۳۱۷) بنابراین یکی از والاترین مقامات حضرت فاطمه"صدیقه شهیده"است که سایر مقامات حضرت مثل طاهره، زکیه، مرضیه، مبارکه، محدثه و... تحت آن قرارمی‌گیرد. همهٔ این مقامات، نشان از شأن و کرامات والای حضرت در عرصه‌های مختلف زندگی دارد.

۴-۳. مقام عصمت

متکلمین معتقدندکه عصمت، موهبت و تفضلی الهی است که خداوند پس از وجود زمینه و شایستگی به شخص معصوم می‌دهد و هرگز قابل تحصیل نیست. به بیان دیگر؛ عصمت لطف الهی است که تحت شرایطی که در سایه عبودیت خالصانه ایجاد می‌شود، به افراد معصوم داده می‌شود. به عبارتی: «العصمة تفضّل من الله تعالی علی من علم انه یتمسک بعصمته» (ر. ک، سبحانی، ۱۳۸۳ش، ۲۲/۵؛ مفید، ۱۳۸۸ش، ۶۱) در مورد حضرت

زهرا در صفت شهادت، مقام عصمت نیزبه اثبات رسید، اما محکم‌ترین دلیل قرآنی در اثبات، آن آیه تطهیر(الاحزاب/۳۳) است، که خدای تعالی ایشان را از هرگونه رجس و آلودگی (راغب، ۱۴۱۲ق، ۳۴۲) طاهر و مبرّا ساخت.

اما درباره حضرت مریم می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَئِكَةُ يَامَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَئكِ وَطَهَّرَك...» (آل‌عمران/۴۲). ملائکه به آن حضرت خبردادند که در نزد خدا چه قدر و منزلتی دارد و "اصطفاء مریم" تقبل اووتطهیرش مصونیت او به عصمت خدای تعالی از گناهان است. پس آن جناب، هم اصطفاء شده و هم معصوم است. (طباطبایی۱۳۹۰ق، ۱۸۸/۳) از جهتی خود حضرت زمینه را آماده نمود و از طرفی تفضل خداوند شامل حالش گردید و او را طاهر و معصوم گردانید. اما عصمت، مراتب و درجاتی دارد و همه معصومین در یک درجه از عصمت قرار نمی‌گیرند.

۴-۴. عطیه الهی و آیت الهی

درمورد مقام والای حضرت زهرا یکی از بهترین آیاتی که می‌توان استناد جست، این آیه شریفه است: «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» (الضحی/۵) از بالاترین درجات محبّت میان خداوند و بنده آنجا است که محبّت خدا چنان شدید است که درمقام راضی کردن بندهٔ محبوب خود برمی‌آید. مخاطب آیه شریفه، نبی اکرم (صلوات‌الله‌علیه‌وآله) است.

سوالی که مطرح است؛ آن چه هدیهٔ با عظمتی است که خداوندبا اعطاء آن اشرف انبیاء خود را خشنود می‌نماید؟! در پاسخ باید گفت: در قرآن کریم فقط یک آیه وجوددارد که در آن مصداق «عطا» ی خداوند به پیامبراکرم (صلوات‌الله‌علیه‌وآله) ذکرشده است: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» (الکوثر/۱). کاملترین مصداق برای کوثر و خیرکثیر، وجودحضرت زهرا علیهاالسلام است؛ وجودی مطهرکه «به غضب اوخدای تعالی غضبناک و به خوشنودی او خوشنودمی‌شود.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۶/۴۳) نبی اکرم در وصف دختربزرگوارشان فرمودند: «اگرنیکویی به صورت انسانی درمی‌آمد، البته آن انسان فاطمه بود، بلکه اووالاتراست. فاطمه دخترمن، در اصل و تبار، والایی و بزرگواری برترین مردم روی زمین است.» (ابطحي‌اصفهاني، ۱۳۸۲ش، ۱۲۷/۱۱، ح۲۲) با این اوصاف، حضرت زهرا علیهاالسلام عطیه الهی است.

خدای تعالی مریم و فرزندش حضرت عیسی را "آیت" و نشانه‌ای از عظمت خود می‌شناساند و می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ ءَايَة...» (المومنون/۵۰) و هر دو را به هم نسبت داده است که اشاره به تولد و بارداری خارق العاده ایشان دارد. همین افتخار برای مریم بس است که در این سوره نامش در زمره و ردیف انبیا آمده، با آنکه خودش از انبیا نبوده است.

۴-۵. بانوان عبادت و بندگی

از دیگر صفاتی که باعث کرامت و عزت شأن دو بانو گردیده، عبودیت آنان است؛ در عبادت و بندگی حضرت زهرا همین بس که از اسمای آن حضرت "راضیه و مرضیه" و طبق آیه شریفه دارای نفس مطمئنه است.[۱] این خود دلالت بر آن دارد که در زمرهٔ بندگان خاص خدا و حائز مقام عبودیت است. چنین کسی ذات و صفات و افعال خود را ملک مطلق پروردگارش می‌داند. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۲۷۵/۲۰) نفس مطمئنه باشک مخلوط نمی‌شود با التفات به رب و انقطاع از غیر او، اطمینان می‌یابد (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۲۴۶/۱۵) و خدای تعالی خود، او را در زمره بندگانش محسوب دارد. (الفجر/۲۹) علاوه بر این که مصداق حقیقی و واقعی آیه شریفه (النور/۳۶) وجود مبارک حضرت زهرا و امام علی و فرزندان ایشان علیهم‌السلام است. (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ۷۶/۴؛ قمی مشهدی، ۳۱۸/۹) نه خانه‌های خشت و گلی. (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ۷۵/۴) اینان مردمانی‌اند که در عین اینکه بین مردم زندگی می‌کنند و به کسب و کار می‌پردازند، اما در پرتو نور ایمان و معرفت، هیچ عامل بازدارنده‌ای آنان را از یاد و عبودیت خدا بازنمی‌دارد. (النور/۳۷). روایات فراوانی که در مورد عبادت آن حضرت وجود دارد، همه دلیلی بر این ادعاست.

در عبادت حضرت مریم، این مهم در نامگذاری ایشان نیزلحاظ شده است: «وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ...» (آل عمران/۳۶). کلمه مریم؛ «درلغت آن شهر، به معنای زن عابداست.» (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ۹۲/۱۱ به نقل از تاریخ ابن الوردی، ۳۰/۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱۷۲/۳) در عبودیت حضرت مریم، همین بس که مادرش نذرکرد او را برای خدا "محرّر" نماید: «ما فِي بَطْنِي مُحَرَّراً» (آل عمران/۳۵) آزاد شده از تعلقات دنیا، بلکه تنها متوجه عبادت خداوند و خدمت

۱. يَاأَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي (الفجر/۲۷-۳۰)

بیت‌المقدس باشد. (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش، ۷۶/۲) هم نام اوعابد بود و هم از همان ابتدا در راه عبادت و بندگی خدا از هر قید و بندی آزاد شد و طبق آیه (آل عمران/۳۷) دائماً در حال عبادت در محراب بوده است. این دوام در عبادت، به‌گونه‌ای است که خدای تعالی او را در زمره "قانتین" به شمار می‌آورد به دلیل پاسخی که آن حضرت در تعجب حضرت زکریا می‌دهد: خدا هرکس را بخواهد بی‌حساب روزی می‌دهد، این نهایت عبودیت مریم را می‌رساند که همه چیزرا از خدا می‌بیند. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «ما من عبادة أفضل عندالله من عفة البطن والفرج»؛ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱۲۶/۳) عفت و پاکدامنی هردو بانوی کرامت، زبان زد خاصّ و عام بود تا جایی که ایشان را مطهره نامیدند.

۴-۶. طهارت و پاکدامنی

براساس آیات قرآن، عفت مهمترین عنصربرای تعالی و تکریم شخصیت زن در چشم دیگران و مایۀ فضیلت و احترام اوست. برای مقام والای زن تنها دین نیست که او را به عفاف و پاکدامنی فرامی‌خواند، بلکه این ندا از درون آدمی نشأت می‌گیرد، که دین نیز آن را تایید می‌کند. غیرت، جوانمردی و کرامت نفسانی همگی انسان را به عفاف دعوت می‌کنند به‌گونه‌ای‌که «عفت و پاکدامنی اصل جوانمردی است». (لیثی، ۱۳۷۶ش، ۳۳) علاوه براین، هویت انسان در سایه قوام عفاف آشکار می‌گردد.

از اسماء حضرت زهرا "الطاهرة، المطهرة، الزکیة" را می‌توان برشمرد که همگی دلالت برپاکی و طهارت باطنی و ظاهری آن بانوی کریم دارد. از آیاتی که دلیل محکمی برطهارت خمسه طیبه بامحوریت حضرت زهرا دارد، آیه تطهیراست (الاحزاب/۳۳) خدای تعالی با ارادۀ تکوینی خود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۳۱۶/۱۶) هرگونه شکّ و گناه (راغب، ۱۴۱۲ق، ۴۴/۲) و پلیدی و هیأتهای خبیثه و رذیله را به وسیلۀ وارد کردن مقابل آن یعنی اعتقاد و عمل به حق، از نفس شما زایل کند. (طباطبایی، همان) یعنی آن بانوی گرامی از لحاظ وجودی دارای مقام "طاهره" و "مطهره" شد.

خداوند، مریم دخترعمران را زنی پاکدامن و عفیف می‌خواند و براین صفت او دوبار در آیات: (التحریم/۱۲) و (الانبیاء/۹۶) تاکید می‌فرماید. این آیات شامل تمجیدحضرت

مریم به داشتن عفت و صیانت است. آن حضرت از لحاظ ملکه عفاف، یا هم سطح یوسف صدیق است که خدا از اوبه عنوان عبد مخلَص یادکرد (یوسف/۲۴) یا از اوبالاتر است. امیرالمومنین علیه‌السلام می‌فرماید: «کادالعفیف ان یکون ملکاً من الملائکة» (نهج البلاغه، حکمت۴۷۴) و عفاف باعث کرامت و وقار شخص می‌شود.

۴-۷. حجاب حضرت زهرا و حضرت مریم علیهاالسلام

حجاب یکی از راهکارهای حفظ عفاف در جامعه است که یکی از مهمترین شاخصه‌های مهم کرامت زن محسوب می‌شود. در مورد حجاب حضرت زهرا علیهاالسلام به طورخاص در قرآن کریم آیه‌ای وجودندارد، اما می‌توان به روایاتی در این مورد استناد جست. به عنوان نمونه در ابتدای خطبه فدک در مورد نوع پوشش آن حضرت آمده است: «لاثَتْ خِمارَها عَلی رَأْسِها وَاشْتَمَلَتْ بِجِلْبابِها وَأَقْبَلَتْ فی لُمَّةٍ مِنْ حَفَدَتِها وَنِساءِ قَوْمِها» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۹۸/۱) یعنی در پوششی براساس آیات (نور/۳۱) و(احزاب/۵۹)، و در میان گروهی از بانوان به سمت مسجدحرکت کرد. همچنین روایاتی در مورد پوشش حضرتش در نماز رسیده که شامل درع و خمار بود. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۴۰۵/۴) حجاب آن بانو در مقابل نابینا قابل توجّه است (ابطحی‌اصفهانی، ۱۳۸۲ش، ۲۷۶/۱۱) حجب و حیای حضرت تا حدی بودکه حتی نگران پوشش بعد از شهادت هم بودند، مبادا هنگام تشییع، حجم بدن مبارکشان مشخص شود. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۳۸۲/۷۸) آن حضرت خوشنود شد از اینکه در تقسیم کارها انجام امور خانه به ایشان واگذار شد تا با مردان نامحرم روبرو نشوند. (مجلسي، ۱۴۰۳ق، ۸۱/۴۳) این خوشحالی و آن نگرانی‌ها نشان دهنده شدت توجه آن حضرت به مسئله حیا و پوشش در تمام لحظات زندگی است.

در مورد حضرت مریم، واژه"حجاب" در آیه شریفه: «فَاتَّخَذَتْ مِن دُونِهِمْ حِجَابًا...» (مریم/۱۷) واژهٔ عام است. روشن نیست برای اعتکاف و عبادت معبود است از ناحیه عابد (طباطبایی۱۳۹۰ق، ۳۵/۱۴)، یا حائلی است میان خود و افراد اجتماع، یا برای تطهیرو شستشوی خویش است. (سلطان‌علی‌شاه، ۱۴۰۸ق، ۳/۲) به هرحال امری شایسته و نیکوست. کسب عزت و عفت‌مندی اختیاری، «... وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا» (مریم/۲۰) همیشه

سبب نزول الطاف الهی به جمیع جهات می‌شود. در هر صورت این حجاب در هرمعنایی گرفته شود، از حیاء و پاکدامنی حضرت سرچشمه می‌گیرد. در کتب مقدس و قرآن کریم، مطلبی در مورد نوع پوشش حضرت مریم نیامده‌است؛ اما با توجه به اینکه ایشان در ابتدای امر به آیین یهود بود و بعد به آیین مسیحیت درآمد و طبق آنچه در کتب تاریخ آمده؛ «درمسیحیت حجاب امری معمول و مورد تأییداست. مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب را تغییر نداد، بلکه قدمی فراترازآن نهاد؛ در شریعت یهود تشکیل خانواده و ازدواج امری مقدس شمرده می‌شد. اما در مسیحیت، تجردمقدس شمرده شد؛ از این‌رو، برای از بین بردن زمینه تحریك و تهییج جنسی، زنان به رعایت عفت کامل و دوری از هرگونه آرایش، به صورت شدیدتری فراخوانده شدند. البته در تعالیم مسیحیت تأکید بیشتر بر ترك عموم لذات دنیوی و از بین بردن شهوت است؛ از این‌رو، رهبانیت در قرن چهاروپنج در این آیین به وجودآمد. زنان راهبهٔ مسیحی با رعایت عفت کامل و حجاب، مشغول خدمت به مردم شدند. در انجیل بر وجوب حجاب و پوشش تأکید و پیروانش را به تنزّه از اِعمال شهوت و عفاف فراخوانده‌است.» (دورانت، ۱۳۷۷ش، ۴۹۸/۱۳-۵۰۰) در انجیل در باب تکالیف مومنین می‌خوانیم: «زنان پیر در سیرت متقی باشند... تا زنان جوان را بیاموزند که... خرداندیش، عفیفه، خانه‌نشین، نیکو و مطیع شوهران خود باشند.» (رساله پولس به تیطس، باب دوم، جملات۳-۶) همچنین «دستورات دینی پاپ و کاردینال‌های مسیحی که بر اساس آن، پوشاندن صورت الزامی و تزیین موی سر و آرایش آن و تنظیم آن‌ها در آیینه و سوراخ کردن گوش‌ها و آویختن گلوبند، خلخال، طلا و دست‌بند قیمتی، رنگ کردن مو و تغییر صورت ظاهری ممنوع بود.» (دورانت، همان).

۴-۸. برترین بانوی جهان

کلمه"اصطفاک" در آیهٔ مبارکهٔ: «... يَامَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران/۴۲) خطاب به مریم مقدس، تکرار شده؛ یک بار به طورمطلق و به دلیل تسلیم محض بودن آن حضرت در مقابل باری‌تعالی، بار دوم برای برگزیدگیِ او نسبت به زنان عالم. این خودگواه بر این است که آن جناب، بهترین و باکرامت‌ترین شخصیت

زن در جهان بوده و همتایی برای آن حضرت وجودنداشته است. بعداز بیان این صفات حضرت و برتری دادن ایشان بر تمام زنان جهان، خدای تعالی به او دستوراتی می‌دهد. مفسران معتقدند آیه۴۳ نتیجه آیه قبل است. یعنی؛ "اقنتی" به خاطر "اصطفای" اول است. " اسجدی" به خاطر"طهرک" و"ارکعی" به خاطر"اصطفاک علی نساء العالمین". اما در این مرحله می‌فرماید: "مع الراکعین" بعداز این مراحل و این آمادگی بودکه خداوند به او بشارت فرزندی را می‌دهد. (آل عمران/۴۵) یعنی مریم مقدس با تمام این صفات کمالیه که در قرآن کریم برای اوبیان شده است، باید به الگو و پیشوایی کامل‌تر از خود یعنی حضرت فاطمه علیهاالسلام اقتداکند. زیرا زین پس علاوه بر الگوی کرامت و عفاف بودن، قراراست حامل فرزندی شود که پیامبرزمان خود است؛ فرزندی که در آینده ـ بنابرآنچه در روایات معصومین[1] آمده ـ قرار است یار و پشتیبان فرزند حضرت زهرا باشد.

۴-۹. حضور اجتماعی

اما با نگاهی در زندگی حضرت زهرا علیهاالسلام دیده می‌شود ایشان، از همان سالهای اولیه بعثت باوجود سن کم در عرصه‌های مختلف اجتماعی آن روزحضورفعال داشت؛ در دفاع از پدر در مقابل آزار و اذیت‌ها، مشارکت حضرت در پدیدهٔ تاریخ‌سازِ هجرت، حضور در صحنه‌های جنگ به عنوان پرستار مجروحان، غذارسانی به رزمندگان، حضوربر بالین شهدا، شرکت در تشییع آنان و دیدار باخانواده‌آنها همراه فرزندان‌بزرگوارشان، حضور ایشان در فتح مکه، مشاورت مشکلات بانوان و پاسخ‌گوییبه سوالات فقهی و اعتقادی آنان. همگی این مواردحکایت از جایگاه اجتماعی آن بانوی عفاف و کرامت دارد.

حضور حضرت‌زهرا در تاریخ صدر اسلام غیرقابل انکاراست. فعالیتهای حضرت کاملا داوطلبانه، هدفمند، آگاهانه و با قدرت بود. همه دغدغه‌ایشان زنده نگه داشتن و گسترش اسلام و سنت نبوی و ساماندهی جامعه اسلامی در کنار پیامبر و پس از ایشان بوده است. از آن جمله؛ حضور در مباهله به عنوان فردی مستقل، داوطلب و موثر، یار و

۱. «به امام صادق علیه‌السلام عرض کردند: ای پسررسول خدا! قائم شما اهل بیت کیست؟ فرمود: او پنجمین از فرزندان پسرم موسی است. او فرزند سرور زنان است... و روح الله عیسی‌بن‌مریم علیهماالسلام فرود آید وپشت سراونمازگزارد وزمین به نور پروردگارش روشن شود... .» (مجلسي، ۱۴۰۳ق، ۵۱/ ۷۱)

پشتیبان همسر در تمام فعالیتهای اجتماعی، پس از سقیفه اهم فعالیتهای حضرت زهرا جنبه اجتماعی داشت. جمع‌آوری گروه همفکران، گفتگو و اعتراض به غاصبان در قالب خطبه در مسجدالنبی، ملاقات با حاکم وقت و اعتراض به غصب فدک، گریه‌های فراوان در فراق پدر، حضور مستمر بر مزار پدر همراه فرزندان، حتی قهر ایشان با غاصبان قدرت و در آخر وصیت حضرت مبنی بر تشییع و دفن شبانه و مخفی ماندن مزار شریفش، همگی نشان از اندیشه و سیره اجتماعی حضرت زهرا دارد. به بیان کلی سراسر زندگی حضرت در فراز و نشیب‌های صدر اسلام سپری شد، حتی نفس تولد ایشان پاسخ خدای تعالی به کافران و معاندین دین بود که سوره مبارکه کوثر بیانگر این موضوع است.

آن حضرت کارآفرین بود و فدک را خود اداره می‌کرد و درآمد حاصل از آن را در راه اسلام خرج می‌نمود. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۲۷/۲۹) جدا از اینکه با قناعت و تحمیل نکردن فشار اقتصادی بر همسر (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۳۱/۴۳)، برداشتن بار اقتصادی از ناتوانان جامعه (انسان/۸-۹) به نوعی جهاد اقتصادی داشت. و همه اینها در کنار خانه‌داری، همسرداری و فرزندپروری در حد اعلای آن بود.

حضرت مریم نیز با اینکه محرر در بیت المقدس بود، اما به نوبه خود در اجتماع حضور داشت و در ترویج دین می‌کوشید. اما آنجا که پای دفاع از عفت و حریم خویش پیش‌آمد، با خود گفت: ای کاش قبل از این مرده بودم و به کلی فراموش می‌شدم. (مریم/۲۳). و زمانی که آن بانو خواست با فرزندگرامی خود بین مردم حاضر شود، خداوند جهت کاهش نگرانی او، فرمود روزه سکوت بگیرد. (مریم/۲۶) اما بیش از این، از فعالیت اجتماعی حضرت مریم، اطلاعی در دست نیست.

۵. نتیجه

به دست آمد؛

ـ مصادیق حقیقی و واقعی راکعین در قرآن کریم، پیامبر اکرم، حضرت زهرا و ائمه معصومین (سلام‌الله علیهم) هستند.

ـ در قرآن کریم، از زنان قدیس زیادی نام برده شده است که حضرت مریم علیهاالسلام بر تمام

آنان برتری داشت و خدای‌تعالی خود او را برگزید. در بررسی واژه "راکعین" در آیات متعدد قرآن کریم، ثابت شد که حضرت مریم با تمام قدر و منزلتی که داشت، مأمورشد به حضرت زهرا علیهاالسلام اقتدا کند. و این ماموریت می‌رساند که حضرت زهرا برتمام زنان عالم برتری دارد.

ـ شناخت حضرت زهرا به عنوان؛ انسانی کامل در تمام ابعاد زندگی و الگو و پیشوایی باکرامت و عفیف، برای هربانویی که قصد دارد نقشی فعال در عرصه‌های مختلف زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی داشته باشد و در عین حال، شأن و کرامت و عزت نفس خود را حفظ کند، لازم است.

ـ از جهتی این اقتدا وآن پیشوایی می‌رساند که مقصد همهٔ ادیان الهی، دین اسلام است. بدین‌سان، خداوند زمینه را برای ظهور آخرین منجی، امام زمان علیه‌السلام، و گسترش دین اسلام در سراسر جهان مهیا نموده است.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

کتاب مقدس

آلوسی، محمود بن عبدالله، ۱۴۱۵ق، **روح المعاني في تفسيرالقرآن العظيم والسبع المثاني**، جلد۱۵، بیروت، دارالکتب العلمیة،

ابطحی‌اصفهانی، سیدمحمدباقر، **عوالم العلوم والمعارف‌الاحوال**، ۱۳۸۲ش، ج۱۱، قم، موسسه‌الامام‌المهدی.

ابن بابویه، محمدبن علی، ۱۴۰۳ق، **معانی الاخبار**، جلد۲، قم، دفترانتشارات اسلامی.

ابن سیده، علی‌بن‌اسماعیل، **المحکم والمحیط‌الاعظم**، ۱۴۲۱ق، جلد۱، بیروت، دارالکتاب‌العلمیه.

ابن فارس، احمدبن فارس، ۱۴۰۴ق، **معجم مقاييس اللغه**، جلد۲، قم، مکتب الاعلام الاسلامي.

ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴ق، **لسان العرب**، جلد۱و۸، بیروت، دارصادر.

امام علی بن موسی، امام هشتم، ۱۴۰۶ق، **صحيفة الإمام الرضا** علیه‌السلام، مشهد، کنگره جهانی امام رضا علیه‌السلام.

بحرانی، هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۵، **البرهان في تفسيرالقرآن**، جلد۲و۳، قم، موسسة البعثة، قسم الدراسات الإسلامية.

بروجردی، محمدابراهیم، ۱۳۶۶ش، **تفسیرجامع**، جلد۳، تهران، کتاب خانه صدر.

بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ق، **تفسیرالبغوی المسمی معالم التنزیل**، جلد۱، بیروت، دارإحياء التراث العربي.

بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ق، **أنوار التنزیل وأسرارالتأویل**، جلد۴، بیروت، دار إحیاء التراث العربي.
جوادی آملی، ۱۳۹۱ش، **تفسیر موضوعی قرآن کریم مراحل اخلاق درقرآن**، جلد۱۱، قم، نشراسراء.
حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، **تفسیرنورالثقلین**، جلد۲، قم، اسماعیلیان.
حسن بن علی (امام یازدهم)، **التفسیرالمنسوب إلی الإمام الحسن بن علي العسکري** علیه‌السلام، ۱۴۰۹ق، قم، مدرسة الإمام المهدي علیه‌السلام.
جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۷۶ق، **الصحاح**، جلد۳، بیروت، دارالعلم للملایین.
حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، **وسائل الشیعه**، قم، موسسه آل البیت.
دورانت، ویلیام جیمز، **تاریخ تمدن**، ۱۳۷۷ش، ترجمه؛ احمدآرام ودیگران، جلد۱۳، تهران، اقبال.
دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷ش، **لغت نامه**، تهران، موسسه انتشارات وچاپ دانشگاه تهران.
دیوانی، امیر، ۱۳۷۶ش، **حیات جاودانه**، قم، معارف.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، **مفردات الفاظ القرآن**، دمشق، دارالقلم.
زبیدی، مرتضی، ۱۴۱۴ق، **تاج العروس**، جلد۱۷، بیروت، دارالفکر.
زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، جلد۱و۴، بیروت، دارالکتاب العربي.
سبحانی، جعفر، ۱۳۸۳ش، **منشورجاوید**، جلد۵، قم، موسسه امام صادق.
سبزواری، هادی بن مهدی، بی‌تا، **شرح الاسماء**، تهران، دانشگاه تهران.
سلطان علی شاه، ۱۴۰۸ق، **بیان السعادة في مقامات العبادة**، جلد۲و۳و۴، بیروت، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
شاه عبدالعظیمی، حسین، ۱۳۶۳ش، **تفسیراثنی عشری**، جلد۲، تهران، میقات.
شرفی، محمدرضا، ۱۳۷۹، **جوان وبحران هدایت**، تهران، سروش.
شوکانی، محمد، ۱۴۱۴ق، **فتح القدیر**، جلد۵، دمشق، دارابن کثیر.
صاوی، احمدبن محمد، ۱۴۲۷ق، **حاشیة الصاوي علی تفسیرالجلالین**، جلد۱۴، لبنان، دارالکتب العلمیة.
طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰ق، **المیزان فی تفسیرالقرآن**، جلد۱و۳و۴و۹و۱۳و۱۴و۱۸، بیروت، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴ش، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمة سیّد محمّدباقر موسوی، قم، انتشارات جامعة مدرّسین.
طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، **مجمع البیان في تفسیر القرآن**، جلد۱و۶و۸، تهران ناصرخسرو.
طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ق، **الاحتجاج علی اهل اللجاج**، جلد۱، مشهد، نشرمرتضی.
فخررازی، محمدبن عمر، ۱۴۲۰ق، **التفسیر الکبیر**(مفاتیح الغیب)، جلد۱۰و۱۲، بیروت، دار إحیاء التراث العربي.
فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، **کتاب العین**، جلد۱و۵، قم، نشرهجرت.
قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۱ش، **قاموس قرآن**، جلد۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

قرطبی، محمدبن احمد، ۱۳۶۴ش، **الجامع لأحکام القرآن**، جلد۴و۶، تهران، ناصرخسرو.
قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳ش، **تفسیر القمی**، قم، دارالکتاب.
قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، ۱۳۶۸ش، **تفسیرکنزالدقائق و بحرالغرائب**، جلد۱و۲و۹، تهران، انتشارات فرهنگ وارشاد اسلامی.
کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، **اصول الکافی**، جلد۱و۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ق، **تفسیر فرات الکوفی**، جلد۱، تهران، وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي.
لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶ش، **عیون الحکم والمواعظ**، قم، دارالحدیث.
مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، **بحارالانوار**، جلد۴۳و۸۷، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰ق، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، جلد۴و۱۱، بیروت، قاهره، لندن، دارالکتب العلمیة.
مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸ش، **آزادی معنوی**، تهران، صدرا.
مغنیه، محمد جواد، ۱۴۲۴ق، **التفسیر الکاشف**، جلد۷، قم، دارالکتاب الإسلامي.
مفید، محمد بن محمد، ۲۰۰۹م، ۱۳۸۸ش، **تصحیح الاعتقاد**، تهران، روشنای مهر.
مقاتل ابن سلیمان، ۱۴۲۳ق، **تفسیر مقاتل بن سلیمان**، جلد۱و۳، بیروت، دار إحیاء التراث العربي.
مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۲ش، **نمونه**، جلد۱۹و۲۲، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
میبدی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱ش، **کشف الاسرار وعدة الابرار**، جلد۱، تهران، امیرکبیر.
هلالی، سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق، **کتاب سلیم بن قیس هلالی**، جلد۲، قم، الهادی.